

مبانی تقدیر معیشت در سبک زندگی اسلامی

محسن زمانی^۱، مهدی شوشتری^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده شهید محلاتی (ره)

^۲ استادیار فقه و مبانی حقوق دانشکده شهید محلاتی (ره) (نویسنده مسئول)

چکیده

معیشت و تأمین معاش همواره دغدغه بشر بوده و بسیاری از مفاصل اجتماعی ناشی از فقر اقتصادی و نقصان در تأمین معاش می باشد، تقدیر صحیح معیشت می تواند جبران کننده قسمت اعظمی از کاستی های اقتصادی باشد، شناخت مبانی تقدیر معیشت، در سبک زندگی اسلامی می تواند فرد مسلمان را به هدف عالی (قرب الهی) برساند و برای تحقق این امر بکارگیری صحیح تقدیر معیشت در سبک زندگی اسلامی یک فرد مسلمان و ارائه و آموزش آن به مراکز علمی و جامعه نیاز ضروری است. اثر حاضر از نوع پژوهش های «داده بنیاد» مبتنی بر داده های قرآن و روایات، انجام شده است. بنا بر نتایج حاصل از پژوهش تقدیر معیشت یکی معیار های مهم دینی در گزاره های اسلام به شمار می رود که می توان آدمی را به سعادت (دنیوی و اخروی) و قرب الهی برساند.

واژه های کلیدی: الگو، تقدیر معیشت، عقل معاش، سبک زندگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

معیشت و تأمین معاش همواره دغدغه بشر بوده و بسیاری از مفاصل اجتماعی ناشی از فقر اقتصادی و نقصان در تأمین معاش می باشد، تقدیر صحیح اقتصاد خانوار می تواند جبران کننده قسمت اعظمی از کاستی های معیشتی باشد، و از طرفی راهیابی به حیات طیبه و تخلق به اخلاق کریمه و رهایی از مصائب روحی بشر در گرو سبک زندگی مطلوب، متناسب با فطرت و مبتنی بر مبانی اعتقادی انسانی است.

مطالعه ای احادیث و استدلالات آیات قرآن بر این دلالت دارد که نوع نگاه اسلام به معیشت در زندگی انسان متفاوت از نگاه غربگرایانه است. ظاهرگرایی و توجه بیش از حد به عوامل مادی در تقدیر معیشت، در اقتصاد موجود بسیار گسترده شده است و مسائل ماورایی و غیرمادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مسائلی مثل صله ی رحم و نحو ابیدن بین الطلوعین و... در جلوگیری از فقر یا توسعه ی رزق مؤثر محسوب شده و محدود به دخل و خرج مادی نیست.

در دیدگاه اسلامی تقدیر معیشت و سبک زندگی دو مفهوم نزدیک به هم می باشند که جهت رساندن انسان به کمال اخروی و دنیوی ارائه شده اند و علاوه بر علل و عوامل، پیامدها و راهبردهای متنوعی دارند. به عبارت دیگر تقدیر معیشت در اصطلاح اسلامی همان عقل معاش است و عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، بلکه در امور معنوی همچون انفاق نیز مورد توجه می باشد.

تقدیر معیشت یکی از جنبه های اصلی زندگی انسانی است تأیید می کند، که امر معیشت و نحوه ی زندگی از مهم ترین معیارهای سبک زندگی اسلامی انسان است؛ تا حدی که در آیه ی شریفه می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» حضرت علامه طباطبایی، در کتاب شریف المیزان می فرمایند که «معیشت ضنک» به شکلی از زندگی گفته می شود که در آن، فرد احساس آرامش نداشته باشد و مدام به دنبال افزایش ثروت و دارایی خود باشد. به عبارت دیگر، ممکن است که فرد وضع مالی خوبی داشته باشد، اما احساس آرامش و راحتی در صورتی است که به ذکر خدا توجه کند.

۱. پیشینه

پژوهش هایی که جامعه شناسان و روانشناسان غربی درباره سبک زندگی داشته اند؛ نگارنده در تبیین مفهوم سبک زندگی اشاره ای به آنها خواهد داشت، و نیز آنها را مورد بررسی قرار نداده است. در زمینه سبک زندگی و تقدیر معیشت اسلامی تحقیقاتی در ایران انجام شده است، که به معرفی منابع مرتبط با این پژوهش می پردازیم:

یکم: قربان جمالی مولف کتاب تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات (۱۳۸۵ش)؛ این کتاب با بهره گیری از آیات و روایات در چهار فصل نخست مفاهیم کلیدی تحقیق یعنی تدبیر، معیشت و رزق را تبیین می کند سپس راهبردهای تدبیر معیشت را بحث می نماید. در فصل سوم با عنوان راهبردهای تدبیر معیشت اخلاق اقتصادی در درآمد، مصرف و پس انداز طرح شده است. آثار تدبیر و پیامدهای بی تدبیری در فصل چهارم آمده است. نگارنده کتاب، مبانی تقدیر معیشت در چهارچوب سبک زندگی اسلامی ارائه نداده است.

دوم: علی اکبر کلانتری مولف کتاب تقدیر و معیشت ضرورت جامعه اسلامی (۱۳۹۷ش)؛ این کتاب در سه فصل تبیین شده است که در فصل نخست به کلیات آن که به برخی از روایات تقدیر و معیشت، مفهوم تقدیر و معیشت و در آخر به معیار کلی در تقدیر و معیشت را مورد بررسی قرار داده است. در فصل دوم کتاب اهم نمونه ها و مصادیق فردی با تقدیر و معیشت را نیز بیان فرموده است. و در فصل سوم به جامعه و تقدیر معیشت را مورد بررسی قرار داده است که در این فصل تدبیر، تنظیم و تقدیر معیشت در محدوده نهادها و دستگاه های ذیربط در کشور ایران اشاره دارد و در پایان کتاب، پنج ضمیمه مرتبط با موضوع

اشاره نموده است. رویکرد این کتاب بیشتر ضروریات تقدیر معیشت بوده و نگارنده کتاب، مبانی تقدیر معیشت در سبک زندگی اسلامی را مورد توجه قرار نداده است.

سوم: محمد مطلبی فشارکی و محمد جواد توکلی نویسنده مقاله الگوی تقدیر معیشت خانواده در اقتصاد اسلامی؛ این مقاله در چهار بخش که به ترتیب مصرف، پس انداز، سرمایه گذاری و انفاق نوشته شده است. با بررسی که انجام شد این مقاله الگوی یک فرد مسلمان در دو حوزه کسب و تخصیص درآمد حلال در خانواده بحث می کند. که در پژوهش پیش رو به مبانی تقدیر معیشت در سبک زندگی اسلامی تاکید دارد.

۲. مفهوم شناسی

در این قسمت به بیان تعاریف مربوط کلید واژه‌ی اصلی پژوهش پرداخته می‌شود.

سبک زندگی

سبک در زبان فارسی به معنای استیل، اسلوب، راه، روال، روش، شیوه، طرز، طریق، طریقه، منوال است. (عمید ۱۳۷۵، ۹۵). و در زبان عربی معنای گداختن چیزی را پس از ریختن، گداختن سیم و جز آن، ریختن، ریخته کردن زر و سیم و پالودن می‌دهد. معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «استایل» است. استایل خود از ستیلوس یونانی مأخوذ است، به معنای آلتی فلزی یا چوبین که به وسیله آن حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش می‌کرده‌اند. امروز هم ایرانیان به «قلم» معنایی شبیه به سبک می‌دهند و می‌گویند: «فلان کس خوب قلمی دارد». (بهار ۱۳۴۹، ۳).

عبارت «سبک زندگی» در کتاب‌های لغت انگلیسی، در معانی کم و بیش مشابهی به کار برده شده است: «سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها، همه و همه، تصویرها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند» «روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ را سبک زندگی گویند»، «روشی که یک فرد یا گروهی از مردم بر اساس آن کار و زندگی می‌کنند». (آکسفورد ۲۰۱۹، ۷۴۳).

سبک زندگی، یک شیوه مشخص و قابل مشاهده از زیستن است. از آنجاکه مشاهده رفتار انسان‌ها، همیشه و همه‌جا امکان پذیر نیست، بسیاری از محققان، ترجیح می‌دهند به جای رفتارهای ما، انتخاب‌های ما در زندگی روزمره را به عنوان نشانه‌ای دست دوم از سبک زندگی مورد بررسی قرار دهند. (شوشتری، ۴۱).

با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی فوق تعریف سبک زندگی اسلامی در این پژوهش عبارت است از مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی یک فرد مسلمان یا گروهی از مسلمانان که برگرفته از آموزه های قرآنی و روایی و متناسب با هنجارها و ارزش های جامعه اسلامی است. این تعریف بسیار نزدیک به تعریف سیره در آثار اسلامی است، که شناخت اصول، معیارها و روش‌های یک فرد در رفتار و کردار را مدنظر قرار می‌دهند. هرچند به جنبه گروهی و اجتماعی این رفتارها و کردارها نیز توجه دارد.

عقل معاش

عقل معاش در لغت: عقل در لغت به معنای امساک و نگاهداری، بند کردن، باز ایستادن، و منع چیزی است. [عَلِمَ] (ترکیب اضافی، مرکب) قوه تدبیر زندگانی. (دهخدا ۱۳۴۱، واژه یاب).

راغب اصفهانی عقل را قوه و نیروی مستعد برای پذیرفتن علم معرفی می کند و اصل عقل را به معنای بازداشتن و طلب بازداشتن می داند (راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ۵۷۸). در نتیجه می توان گفت معنای اصلی عقل با توجه به ریشه لغوی آن از عقل یعنی ابزار «بستن و بازداشتن» است. چنانکه امام علی(ع) در دعای صباح، عقل را به معنای لغوی آن به کار برده است:

«الهی هذه زَمَةٌ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيَّتِكَ» (قمی ۱۳۷۶، ۸۲)؛ معبودا! زمام نفس خویش را به پای بند مشیت تو بستم.

با توجه به تعاریف گذشته، عقل به معنای قوه نهفته در وجود آدمی که به واسطه آن، قادر به تشخیص و ادراک و ادارکننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده او از شر و فساد است، هرگاه به عنوان قوه تدبیر زندگی و امور دنیایی به کار رود و به چاره اندیشی درباره معضلات و مشکلات زندگی پردازد و در جهت تدابیر امور جاری حیات مادی و هماهنگ با قوانین شرعی و سازگار با آنها باشد تا آدمی را به حیات معقول رهنمون کند، این نوع عقل را عقل معاش گویند (حکیمی و همکاران ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۴۴). از این رو مراد از عقل معاش در این پژوهش، قوت تدبیر زندگی است. چنان که در وصایای رسول اکرم (ص) به علی (ع) آمده است: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ» (کلینی ۱۴۲۹، ج ۱۵، ۶۳)؛ هیچ عقلی همچون تدبیر نیست.

تقدیر معیشت

قاموس قرآن می نویسد «ایضا قدر بمعنی تقدیر و اندازه گیری و نیز بمعنی اندازه است راغب گوید: «الْقَدْرُ وَ التَّقْدِيرُ: تَبْيِينُ كَمِيَةِ الشَّيْءِ»» (قرشی بنایی ۱۴۱۲، ۶، ۲۴۶).

صاحب مجمع البحرین می نویسد که «و فی الحدیث الحث علی تَقْدِيرِ المعیْشَةِ وَ هُوَ التَّعْدِيلُ بَيْنَ الإفْرَاطِ وَ التَّفْرِيطِ، وَ هُوَ مِنْ عِلْمَاتِ الْمُؤْمِنِ. وَ یَقَالُ مَا لَهُ عِنْدِي قَدْرٌ وَ لَا قَدْرٌ: أَيْ مَا لَهُ عِنْدِي حَرْمَةٌ وَ وَقَارٌ. وَ إِذَا وَافَقَ الشَّيْءُ الشَّيْءَ قِيلَ عَلَى قَدْرٍ بِالْفَتْحِ لَا غَيْرَ .»

در حدیث در مورد معنای تقدیر معیشت آمده است که تقدیر معیشت اعتدال میان افراط و تفریط است و این از علامات مومن است. و گفته می شود که آنچه که از او دست من است ... زمانی که دو چیز با یکدیگر موافق باشند گفته می شود که اندازه هستند و این قدر به فتح است نه چیز دیگر. (طریحی ۱۳۶۲، ۳، ۴۵۳).

بنابر این همان طور که از کتب لغت نیز برمی آید دو نوع تقدیر داریم یکی در مورد خداوند صادق است که به معنی امر محتوم است و البته به معنی اندازه داشتن در امور نیز هست، و دیگری در مورد انسان است که به معنی اندازه داری است، که اگر بر اساس عقل باشد پسندیده و اگر بر اساس شهوت باشد مذموم خواهد بود.

باتوجه به بحث لغوی تقدیر معیشت که به معنی اندازه داری در زندگی و حیات انسانی می باشد، در این پژوهش تقدیر معیشت به معنای برنامه ریزی صحیح یک مسلمان، مبتنی بر عقل و پرهیز از افراط و تفریط (رعایت اعتدال) در امور مربوط به معیشت و اقتصاد خانواده است.

۱. مبانی تقدیر معیشت در سبک زندگی اسلامی

در این قسمت به مبانی تقدیر معیشت در زندگی انسان از ضروریات آن بیان آیات و روایات است می پردازیم؛ چرا که معصوم(علیه السلام) آن را از لوازم کمال می داند و اهمیت آن ایجاد می کند، موارد دخیل در تقدیر معیشت را شناخت تا بتوان مسیر کمال را به درستی طی نمود. لذا سوال اصلی که باید به دنبال آن باشیم این است، مبانی اثر گذار بر تقدیر معیشت در جهت رسیدن انسان به سعادت چیست؟ مورد بررسی قرار می گیرد.

۲. پذیرش صحیح قضا و قدر

اولین مبنایی که اثر گذار است بر تقدیر معیشت، فهم صحیح قضا و قدر است؛ قضا به معنای حتمیت پیدا کردن پدیده‌های عالم با استناد به علت تامه خود است و قدر به معنای نسبتی است که حدود اشیاء به ذات باری تعالی دارند.

کلمه «قضا» به حسب اصل لغت، همان طور که راغب در مفردات القرآن می‌گوید به معنی فیصله دادن است، خواه فعلی باشد و خواه قولی، خواه به خداوند نسبت داده شود و یا به غیر خداوند. (مطهری ۱۳۷۷، ۱۰۶۵)؛ قضا الهی عبارت است از قطعی شدن وجود حادثه‌ای که نتیجه تعلق اراده و قدرت و علم ذاتی و ازلی خدا به آن شیء است. (گلپایگانی ۱۳۶۸، ۱۰۱).

کلمه «قدر» به معنی اندازه است. موارد استعمال این کلمه همین مفهوم را می‌رساند، مثل *إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ*. (قمر، ۴۹) بنابراین، کلمه «تقدیر» به معنای اندازه‌گیری کردن و یا تعیین و تشخیص اندازه یک شیء است. (مطهری ۱۳۷۷، ۱۰۶۶). تقدیر در معیشت به این معنی است که اندازه رزق هر موجودی از ناحیه خداوند باری تعالی مشخص شده است. قدر الهی عبارت است از نسبتی که حدود اشیاء به ذات باری تعالی دارند. (همان، ۱۰۶۹). بنابر این قضای الهی در موضوع تقدیر معیشت به این معنا است که رزق هر موجودی از ناحیه خدا اراده شده است. ولی از آنجایی که رزق موجودات بسته به زمینه‌های معیشتی در آن موجود دارد. به عبارت دیگر معیشت انسان‌ها مورد تعلق روزی اراده شده از سوی خداوند می‌باشد.

۳. رزاقیت الهی

یکی دیگر از مبانی تقدیر معیشت رزاقیت الهی است. رزق بخشش مدام و پیوسته است که گاهی دنیوی و زمانی اخروی است و گاهی نصیب و بهره را هم رزق گویند و همچنین به چیزی که به معده می‌رسد و با آن تغذیه می‌شود. (راغب ۱۴۱۲، ۳۵۴)، در صحاح، رزق را عطا و آنچه از آن نفع برده می‌شود معنی کرده است. (جوهری ۱۴۰۷، ۲۶۵). و در قاموس قرآن گفته است: رزق عطائی است که از آن منتفع می‌شوند خواه طعام باشد یا علم و یا غیر آن. (قرشی بنایی ۱۴۱۲، ۱۵۶).

در این پژوهش شرط اصلی و محوری تقدیر معیشت رزاقیت الهی است، یعنی رازق تمام مخلوق و بالذات خداوند است چنانکه فرموده است: *«وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»*. (عنکبوت، ۶۰) و چه بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند. خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد، و اوست شنوای دانا.

بنابراین، با شناخت رابطه‌ی بین روزی و استفاده کننده‌ی آن و هماهنگی بین آن دو و این‌که وسایلی برای رسیدن به روزی قرار داده شده است، باید بدانیم که ما برای به دست آوردن آن، تکلیف و مسؤولیت هم داریم؛ یعنی باید با عقل معاش، روزی خود را که خداوند برایمان مقدر نموده است به دست آوریم.

۴. عقل معاش

یکی دیگر از مبانی تقدیر معیشت عقل معاش است. عقل در لغت به معنای بستن و نگه داشتن است، وقتی گفته می‌شود *«عَقَلَ الْبَعِيرُ»* یعنی شترش را بست و *«اعتقل لسانه»* یعنی زبانش از سخن گفتن بازماند (جوهری ۱۴۰۷، ج ۵، ۱۷۶۹). مرد عاقل کسی است که کار خود و رأی خود را جمع بندی می‌کند و عقل را عقل گفته اند، زیرا صاحب خود را از سقوط در هلاکت باز می‌دارد. (ابن منظور ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۵۸). (محمدی ۱۳۹۹، ۱۸۱)

۱. نیز ر.ک: ابن منظور، *نیل «قضی»*، ۶، ۳۶۴.

عقل معاش همان تدبیر چیزهائی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد؛ که همان تقدیر معیشت در سبک زندگی است؛ مثل مسئله ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله ی خط، مسئله ی زبان، مسئله ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌های که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرؤوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ که متن زندگی انسان است.

مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان خراسان شمالی همه این بخشها همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می گویند: عقل معاش. (خامنه ای ۱۳۹۱، ج ۷، ۲۳).

کلانتری در کتاب خود می نویسد، که تدبیر زیر مجموعه تقدیر است. کلانتری تقدیر را به معنی اندازه گیری تعبیر می کند و سه نوع اندازه داری را ذکر می کند. تدبیر را اندازه گیری بین زمانی می داند یعنی انسان باید در زمان مختلف اندازه ها را رعایت کند و مصالح آینده و حال را باهم در نظر بگیرد. (کلانتری ۱۳۸۳، ۴۷)

ازاین رو، عقل معاش رابطه بسیار نزدیکی با تقدیر معیشت دارد، یعنی وقتی می گویند فردی تقدیر معیشت خوبی دارد، در واقع قوت تدبیر زندگی دارد یعنی همان عقل معاش. چنان که در وصایای رسول اکرم (ص) به علی (ع) آمده است: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ». (کلینی ۱۴۲۹، ج ۱۵، ۶۳)؛ هیچ عقلی همچون تدبیر نیست.

ممکن است برداشت شود، عقل معاش برای امور اقتصادی به کار رفته است. در صورتی که لازم است بدانیم که مسائل معیشتی فقط منحصر به امور اقتصادی نیست و دایره بسیار وسیع تری را شامل می شود (ر.ک: حسینی زبیدی ۱۳۰۶، ج ۹، ۱۵۱؛ فیومی ۱۳۹۷، ج ۳، ۴۴۰؛ فراهیدی ۱۴۱۰، ج ۲، ۱۸۹)، چنان که رهبر انقلاب، فرمودند: «عقل معاش فقط به معنای پول درآوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول درآوریم و چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه عرصه وسیع [زندگی]، جزو عقل معاش است»

از مطالب پیش گفته می توان به این نکته اشاره کرد که در تقدیر معیشت چنین برداشت می شود، هرگاه عقل آدمی و اندیشه های عقلانی او مربوط به زندگی این دنیا و چاره اندیشی درباره معضلات و مشکلات زندگی و هماهنگ با قوانین شرع باشد، این نوع عقل را عقل معاش می گویند، که مورد تایید آیات و روایات در بحث تقدیر معیشت می باشد. براین اساس، عقل معاش ابزار رسیدن به اهداف عقل نظری و عملی است و چون عقل نظری، خدا و دین و آخرت را اثبات می کند و عقل عملی آدمی را به رعایت احکام خدا و دین و آخرت فرا می خواند، عقل معاش در خدمت دین و معنویت و آخرت قرار خواهد گرفت.

عقل معاش بدون عقل معاد، یا به طور دقیقتر، عقل معاش بدون قرار گرفتن در راستای عقل معاد دارای ارزش نمی باشد. عقل معاش و عقل معاد همواره در کنار هم معنا پیدا می کنند و به طور کلی معنای تقدیر معیشت را می سازد. نباید در تقدیر معیشت از عقل معاد غفلت کرد که در این صورت عقل معاش هیچ ارزشی نخواهد داشت و در سبک زندگی اسلامی، معادگرا بودن عقل شرط تحقق مفهوم عقل معاش خواهد بود.

۱. کمال دین

نیاز بشر به دین در دنیای امروز و روی آوردن آنان به معنویت به این علت است که بشر در این عالم به هر چیزی که چنگ زده تا به وسیله آن آرامش یابد؛ موفق نبوده است. چرا که عمل به تقدیر معیشت دیگر ادیان نتوانسته است بشر را به یک اندازه گیری صحیح از خود و جهان هستی داشته باشد. لذا انسان آزاد اندیش و تشنه معرفت را به جستجو و کنجکاوی هر چه بیشتر

برای دستیابی به دین حق و می دارد. که با عمل کردن به دستورات و اجرای برنامه های آن بتواند تقدیر معیشت صحیح را بکار بگیرد و با چشیدن طعم آرامش به سعادت و کمال برسد.

خداوند برای هدایت بشر و نجاتش از شرک و تباهی پیامبرانی را با برنامه هدایتی ارسال کرده است و این ارسال رسولان به اقتضای حکمت و لطف او بوده و ضرورت آن را ایجاب نموده است. دین خاتم «اسلام» برنامه هدایتی خودش را با اجرای تقدیر معیشت به گونه ای برنامه ریزی کرده است، که بشر را به هدایت و کمال می رساند و اگر این برنامه دینی ناقص باشد، رساننده بشر به آن هدایت مطلوب نخواهد بود، و این نقض غرض و خلاف حکمت است.

۲. رفق و مدارا

انسان مسلمان در زندگی خود و تقدیر معیشت خود، نباید تنها به منافع مادی و یا معنوی خود توجه داشته باشد. بلکه نظام اسلامی به دنبال آن است که مردم خود، با رفق و مدارا به کمک یکدیگر بیایند و این مهم را یکی از شؤون اصلی زندگی بدانند و این مساله با توجه به دو حدیث ذیل یکی از شرط های تقدیر معیشت انسان است.

«علی بن ابراهیم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن ابي عبد الله ع قال قال رسول الله (ص) مداراة الناس نصف الايمان والرفق بهم نصف العيش». (کلینی ۱۳۷۵، ج ۲، ۱۱۷). و قَطِيعَةُ الرَّحْمِ تُورِثُ الْفَقْرَ». (صدوق ۱۴۰۴، ج ۲، ۵۰۵).^۴

می توان گفت که تقدیر معیشت محدود به روابط درون خانوادگی و فردی نمی باشد که فقط کار کردن و برنامه ریزی شخصی و رعایت مواردی که در باب رزاقیت الهی و عقل معاش بیان شد در رزق انسان و معیشت انسان موثر باشد. بلکه نحوه رفتار با دیگر افراد نیز اهمیت دارد و فرد مسلمان نباید نسبت به سایرین بی اعتنا، تندخو و سنگدل باشد.

در قرآن کریم می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّالْقَلْبِ لَآنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ». (آل عمران، ۱۵۹). پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهرا] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند.

«فظ» در لغت به معنی کسی است که سخنانش تند و خشن است، و «غلیظ القلب» به کسی می گویند که سنگدل می باشد و عملاً انعطاف و محبتی نشان نمی دهد بنا بر این، این دو کلمه گرچه هر دو بمعنی خشونت است اما یکی غالباً در مورد خشونت در سخن و دیگری در مورد خشونت در عمل به کار می رود و به این ترتیب خداوند اشاره به نرمش کامل پیامبر (ص) و انعطاف او در برابر افراد نادان و گنهگار می کند. (شیرازی ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۴۰).

در سیره امامان معصوم (ع) همواره اصل رفق و مدارا دیده شده و آن بزرگواران این اصل را منش و روش خود قرار می دادند و با مدارا و گذشت شناخته می شدند؛ چرا که آراستگی به فضایل اخلاقی و پیراستگی از رذایل، یکی از اصول کمال انسانی است و اهل بیت (ع)، نمونه کاملی از انسان های کمال یافته و منبعی عظیم از فضیلت های اخلاقی به شمار می روند. امام حسن مجتبی (ع) نیز از چهره های برجسته تقدیر معیشت است که به دلیل نرمش و متانت در گفتار و کردار، اسوه کاملی در این زمینه برای همگان است.

۲. از امام صادق (علیه السلام) روایت است که از قیل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند که: مدارا و نرمی با مردم نصفی از ایمان است و دوستی با آنها نصفی از زندگی است. (کلینی ۱۳۷۵، ج ۲، ۱۱۷).

۴. قطع آبطه با نزدیکان فقر می آورد. (صدوق ۱۴۰۴، ج ۲، ۵۰۵)؛

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَيَّمَا أَهْلِ بَيْتِ أَعْطُوا حَظَّهُمْ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الرِّزْقِ وَ الرَّفْقُ فِي تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِي الْمَالِ وَ الرَّفْقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ وَ التَّبْدِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ إِنْ أَلَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ. (کلینی ۱۳۷۵، ج ۲، ۱۱۹). امام صادق علیه السلام فرمود: هر خانواده‌ای که بهره خود را از نرمی گرفتند، خدا روزی ایشان را وسعت داد و نرمی در تقدیر معیشت (اقتصاد و میانه روی در خرج) از وسعت مال بهتر است، و با میانه روی در ماندگی نباشد و با ولخرجی چیزی باقی نماند، همانا خدای عز و جل نرمی کند و نرمی را دوست دارد.» (کلینی ۱۳۷۵، ج ۳، ۱۸۲).

بر همین اساس است جدای از رفق و مدارا با دیگران، مسائلی مثل صدقه دادن، صلح رحم، احترام به سالمندان و بسیاری از موارد دیگر در رزق انسان موثر هستند و انسان مومن باید در تقدیر معیشت خود دُر نظر بگیرد. البته همانطور که گفته شده، تقدیر معیشت منحصرأ در مسایل اقتصادی نیست، و باید سایر مسایلی که ذیل کتاب العشره بیان شده است نیز مد نظر قرار داده شود. رفق و مدارا اثر اقتصادی و مالی در زندگی افراد را دارد در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «مَنْ حَرَمَ الرَّفْقَ فَقَدْ حَرَمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۷۲، ۱۵۲). هر کس از مدارا بی بهره باشد، از همه خوبی‌ها بی بهره مانده است. و لذا اگر افراد قصد مدیریت مالی و تقدیر معیشت اقتصادی دارند باید این ملاحظات را نیز مد نظر قرار دهند.

۱. حسن کسب مال

روایات بسیاری بر این مفهوم تاکید می کنند که حسن تقدیر معیشت باید سرلوحه کار انسان مؤمن باشد. این نشان می دهد که تقدیر معیشت می تواند مفید و در راه سعادت نباشد. به عبارت دیگر در زندگی دنیوی؛ مال و ثروت نه تنها خوب است، بلکه هر مسلمان آگاه وظیفه دارد در کسب و تحصیل حلال آن تلاش کند و خود و جامعه اش را در رشد اقتصادی حلال و مشروع یاری رساند. اینجا تقدیر معیشت معنا پیدا می کند، هر چند تأمین زندگی، مورد تأکید فراوان است؛ با این حال، نه از هر راهی و با هر درآمدی! با این نگرش پی می بریم که؛ اسلام در هر زمینه ای از زندگی نسبت به روح و سلامت و کمال آن توجه ویژه ای دارد و کسب مال حلال را در ارتقاء روحیه معنوی و نقش آن در تقدیر معیشت بسیار مؤثر می خواند.

در متون دینی اصیل و معتبر، بر مال حرام رزق اطلاق نشده است، چنان که طبرسی ضمن تفسیر آیه «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ و از تمام نعمت ها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند» (بقره، ۳) گفته است: روزی واقعی آن است که شخص بتواند از آن بهره مند شود و کسی حق نداشته باشد او را از این بهره مندی بازدارد؛ بنابراین، آیه مذکور دلیل بر آن است که مال حرام رزق و روزی نیست؛ زیرا خدای متعال مردمان را به انفاق کردن از آنچه روزی ایشان مقرر داشته می ستاید و انفاق کننده از مال حرام - به اتفاق همگان - شایسته ستودن نیست، پس حرام رزق محسوب نمی شود (طبرسی ۱۳۶۰، ج ۱، ۱۲۲).

کسب رزق حلال در مقابل کسب و درآمد حرام، در آموزه های دینی و فقه اسلامی مورد بحث گفت و گو تأکید قرار گرفته و ده ها آیه و روایت را به خود اختصاص داده است؛ و این خود دلالت از اهمیت آن در تقدیر معیشت و سعادت انسان دارد.

۱. در قرآن کریم آمده است: «وَيَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» (قصص، ۵۴). آن نازکسانی هستند که (بدی‌ها را با نیکی دفع می‌کنند).^۱ در توضیح این آیه آمده است که مؤمنان، آزار و انیت مردم را به وسیله مدارا و حلم از خود دور می‌کنند. (طباطبائی ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۶۵).

ائمه اطهار (ع) علاوه بر تشویق به روزی حلال، به شکل های گوناگون و نهی از خوردن مال حرام و بیان برخی از مصادیق آن همچون: ربا، رشوه و...، تفسیری از مفهوم رزق و روزی حلال ارائه کرده اند؛ چنانکه محمد بن ابی نصر به امام رضا (ع) عرض کرد:

«جُعِلَتْ فِدَاكَ ادْعُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِي الْحَلَالَ فَقَالَ أ تَدْرِي مَا الْحَلَالُ؟ قُلْتُ الَّذِي عِنْدَنَا الْكُسْبُ الطَّيِّبُ (کلینی ۱۳۷۵، ج ۵، ۸۹)؛ قربانت شوم، من دعا می کنم که خداوند از روزی حلال خود به من عطا فرماید. حضرت فرمودند: «می دانی روزی حلال چیست؟» عرض کردم: قربانت تا آنجا که می دانم کاسبی پاک را روزی حلال می شمارند.»

و ایضاً علی بن حسین (ع) می فرمودند: «الْحَلَالُ هُوَ قَوْتُ الْمُصْطَفَيْنِ ثُمَّ قَالَ قُلْ أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ؛ روزی حلال قوت برگزیدگان الهی است، در دعای خود بگو بار خدایا! از روزی وسعت به من عطا کن» (بحرانی ۱۴۱۹، ج ۴، ۲۳).

از متن پرسش و پاسخ برمی آید روزی حلال آن است که فرد مسلمان تقدیر معیشت داشته و راه های مجاز در شرع که کتاب های فقهی عهده دار بیان آن هستند به دست آورد؛ چنان که آیات قرآن و سخنان ائمه اطهار (ع) در بیان برخی از مصادیق مال حرام همچون ربا و رشوه این مدعا را ثابت و تأیید می کند. در روایتی دیگر معمر بن خلاد از حضرت رضا (ع) روایت کرده که فرمودند: حضرت باقر (ع) مردی را دیدند که می گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ»؛ امام فرمودند: تو از خداوند روزی پیامبران را درخواست می کنی، بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقًا حَلَالًا وَاسِعًا طَيِّبًا مِنْ رِزْقِكَ» (کلینی ۱۳۷۵، ج ۲، ۵۵۲).

منظور از روزی پیامبران در روایت مذکور، رزقی است که در واقع و نفس الامر، حلال باشد؛ چنین رزقی، رزق پیامبران و اوصیای ایشان است، اما رزق مؤمنان، رزقی است که در ظاهر شریعت حلال باشد؛ یعنی مکلف، از طریق تقلید یا اجتهاد، به حلال بودن آن، علم پیدا کند، چه بسا رزق هایی که بر اساس ظاهر شریعت به حلال بودن آنها حکم شده، مشتبه و شبهه ناک باشد.

بر اساس آیات قرآن، خداوند رزق و روزی حلال و طیب را برای انسان در نظر گرفته است: «و از چیزهای پاک به شما روزی داد، باشد که سپاسگزاری کنید» (انفال، ۲۶)؛ «و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو: این [نعمت ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] خاصّ آنان است» (اعراف، ۳۲).

همچنین که قرآن اصحاب کهف را مثال می آورد. آنان پس از بیداری از خواب سیصد و اندی ساله خود، دغدغه غذای حلال و پاکیزه را داشتند تا نور ایمانشان همچنان بدرخشد و خاموش نشود: «...تا ببیند کدام یک از غذاهای آن پاکیزه تر است و از آن، غذایی برایتان بیاورد» (کهف، ۱۹)؛ از این رو؛ بر شخص مسلمان واجب است که تقدیر معیشت داشته باشد و در حدّ ضرورت و به قدر توان، کار کند و مخارج خود و خانواده اش را تأمین نماید.

اقتضای تقدیر معیشت این است که شغل او باید مباح باشد و مالی را که صرف هزینه های زندگی خود می کند، بایستی حلال باشد. انسان نباید تن پرور و سربرار جامعه باشد و به دستاورد دیگران چشم بدوزد و بخواهد به اموال مردم دستبرد بزند. پیشوایان معصوم اسلام همواره پیروان خود را از پستی و ذلّت درخواست و طلب از دیگران باز می داشتند و می کوشیدند تا آنان را به عزّت و بزرگواری عادت دهند؛ از آنان می خواستند که حتّی در سخت ترین شرایط از کار شرافتمندانه برای امرار معاش خود دست برندارند و با سعی و کوشش، خود را از دیگران بی نیاز سازند. شخصی حضور امام صادق (ع) شرفیاب شد و عرض کرد: من نمی توانم با دست خودکار کنم یا به تجارت بپردازم، درحالی که فردی محروم و نیازمند هستم [چه کنم؟]، امام (ع) فرمود: «کارکن و با سرت بار ببر و خویشان را از مردم بی نیاز کن» (کلینی ۱۳۷۵، ج ۵، ۷۶-۷۷). کسی که توان کار

کردن دارد و می تواند از راه مشروع امرار معاش کند، چنانچه بیکار و سربار جامعه باشد، شخصیت خود را خوار و پایمال می سازد و این با تقدیر معیشت مد نظر اسلام سازگار نیست و نمی توان گفت این نوع شخصیت انسان ارزشمندی هست.

واقعیتی که باید به آن توجه داشت این است که خداوند متعال برای تمام مخلوقات «روزی حلال» مقدر فرموده است. و حتی در مسیر حسن کسب مال؛ سحرخیزی، سفر و تحمل زحمت و مشقت هم ممکن است که باشد، ولی اگر انسان عجله نکند و تقدیر معیشت و صبر را پیشه خود سازد، تمام رزق مقدرش به او خواهد رسید. کسانی که حسن کسب مال ندارند و از حرام پرهیز نمی کنند، خیال می کنند اگر از مال حرام صرف نظر کنند، کمبودی در معاششان پدید می آید و سخت محتاج و گرفتار می شوند. در صورتی که خداوند می فرماید: «هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست. او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند. همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است» (هود، ۶).

۱. صبر بر حوادث

ماهیت زندگی دنیا که خود میدانی برای تلاش و کوشش در جهت نیل به هدف است به گونه ای است که همواره با مشکلات و موانعی همراه است که آن مشکلات مانع رسیدن به آن هدف است و انسان مسلمان در صورتی می تواند به آن هدف نائل آید و به پیروزی برسد که در برابر مشکلات تقدیر معیشت به خرج داده و شکیباً باشد. از این رو صبر بر حوادث زمینه ساز تقدیر معیشت است.

پس اگر انسانی بخواهد در تقدیر معیشت به کامیابی برسد باید اهل مقاومت و صبر باشد. در واقع شاید بتوان گفت صبر به معنای میوه تلخی است که انسان برای درمان بیماری و شفا به کار می برد. بنابراین صبر و شکیبایی از عوامل مهم موفقیت و کامیابی و پیروزی در تقدیر معیشت است، خواه در زندگی مادی و خواه در زندگی معنوی. در قرآن کریم در آیات فراوانی انبیاء و پیامبران الهی و اولیاء خدا و مؤمنان به صبر و پایداری و استقامت فراخوانده شده اند.

خدای سبحان خطاب به پیامبر اسلام فرمود:

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ؛ (احقاف، ۳۵). ای پیامبر صبر کن آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و خطاب به اهل ایمان فرمود: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ"؛ (بقره، ۱۵۳) ای افرادی که ایمان آورده اید از صبر و استقامت و نماز کمک بگیرید، زیرا خدای سبحان با صابران است» و در سوره آل عمران نیز فرمود: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ"؛ (آل عمران، ۲۰۰)، ای کسانی که ایمان آورده اید (در برابر مشکلات و مصائب و هوس های سرکش) صبر کرده و استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت نمایید و تقوای الهی را پیشه کرده و از خدا پروا کنید، شاید رستگار شوید.» در این آیه کلید رستگاری و سرچشمه سعادت را صبر و استقامت و ایستادگی در برابر حوادث و مشکلات و مصائب و موانع می داند.» (مصطفی پور ۱۳۸۸، ۸-۶).

با توجه به آیات قرآن به این فهم می رسیم که صبر یک حقیقت نفسانی است که آدمی را از طریق عوامل بازدارنده به سوی کمال باز می دارد، به عبارت دیگر، صبر از یک سو گرایش ها و تمایلات غریزی و نفسانی انسان را حبس و آن را در قلمرو شرع و عقل محدود می کند و از سوی دیگر نفس را از مسئولیت گریزی در برابر عقل و شرع باز می دارد و او را وادار می کند انسانی که تقدیر معیشت دارد زحمت و دشواری پای بندی به وظائف الهی را بر خود هموار سازد. و صبر و استقامت و ایستادگی در برابر حوادث و مشکلات معیشتی را سر لوحه کار خود قرار دهد.

در روایات اسلامی سه قسم صبر ذکر شده است پیامبر اکرم(ص) فرمود:

«الصبر ثلاثة: صبر عند المصيبة و صبر على الطاعة و صبر عن المعصية، فمن صبر على المصيبة حتى يردّها بحسن عزائها كتب الله له ثلاثمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين السماء الى الأرض و من صبر على الطاعة كتب الله له ستمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى العرش و من صبر عن المعصية كتب الله له تسعمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى منتهى العرش؛ (كلینی ۱۳۷۵، ج ۲، ۹۱)، صبر بر سه قسم است صبر بر مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از معصیت، کسی که بر مصیبت صبر کند و آن را با شکیبایی تحمل نماید خدای سبحان سیصد درجه برایش می نویسد که فاصله هر درجه آن همانند فاصله زمین و آسمان است و هر کس بر اطاعت صبر کند خدای سبحان ششصد درجه برای او می نویسد که فاصله هر یک با دیگری همانند فاصله انتهای زمین تا عرش خداست و هر کس بر معصیت صبر کند خداوند نهصد درجه برایش می نویسد که فاصله هر یک با دیگری همانند فاصله منتهای زمین تا منتهای عرش خداست.»

الگوهای صبر و شکیبایی که همان انبیاء الهی هستند معرفی شدند تا مؤمنان با الگوگیری از آنان حقیقت صبر را در خود پیاده کرده و انواع ایستادگی و شکیبایی را با تقدیر معیشت خود به نمایش بگذارند تا در دنیا و آخرت به آثار آن یعنی پیروزی و موفقیت در دنیا و نجات و رستگاری و راهیابی به مقام عالی دست یابند.

نتیجه گیری

این پژوهش به منظور «مبانی تقدیر معیشت در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه آیات و روایات» برای فرد مسلمان انجام شد.

تقدیر معیشت در سبک اسلامی آن، موهبتی از طرف خدا برای رتق و فتق امورات انسان در این عالم ماده در جهت نیل به کمال داده شده است.

تقدیر معیشت عملیاتی کردن مطالبی است که با فهم دین در حوزه معیشت و اقتصاد خانواده به دست می آید و انسان با کاربست آن زندگی او متحول شده و به کمال نزدیک می شود. برخی تقدیر معیشت را یک مفهوم اقتصادی و تناسب میان دخل و خرج می دانند، که این تفکر غلط است. تقدیر معیشت، یک امر کلی در معیشت و زندگی است که راه زندگی را به سمت کمال می برد. و متناسب با فطرت الهی است و محدود در امور مادی محسوس نمی باشد. از این رو کسی که به دنبال تقدیر معیشت و رسیدن به کمال است باید ابتدا نگاه خود را تصحیح کند و حرص نزند و به دنبال رزقی که خداوند متعال برای او در نظر گرفته است سعی در تامین زندگی خود با نگاه تقدیر معیشت داشته باشد.

از یافته های دیگر این پژوهش این است که تقدیر معیشت قضا حتمی و قطعی است ولی قدر در اختیار تدبیر انسان است. رزق هر موجودی از ناحیه خدا اراده شده است. ولی از آنجایی که رزق موجودات بسته به زمینه های معیشتی در آن موجود را دارد. این خود انسان است که باید از این نعمت استفاده کند. به عبارت دیگر باید با عقل معاش، روزی خود را که خداوند برای او مقدر نموده است به دست آورد.

منابع

قرآن کریم

۱. آملی، عبدالله جوادی. ۱۳۷۸. قرآن در قرآن. قم: موسسه اسراء.
۲. امین، مهدی ۱۳۸۹. تدبیر و تقدیر در نظام آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث. قم: بیان جوان.

۳. شریفی، احمد حسین. ۱۳۹۱. همیشه بهار «اخلاق و سبک زندگی اسلامی». قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. نشر معارف.
۴. طاهرزاده، اصغر. ۱۳۸۵. جایگاه رزق انسان در هستی. تهران: لب المیزان.
۵. عمید، حسن. ۱۳۷۵. فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
۶. فاضل قانع، حمید. ۱۳۹۱. نقش و جایگاه سبک زندگی در فرآیند شکل گیری تمدن نوین اسلامی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفیص.
۷. فاضل قانع، حمید. ۱۳۹۲. سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی. قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدرا.
۸. قرائتی، محسن. ۱۳۸۳. تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۹. قرشی بنایی، علی اکبر. ۱۳۷۸. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. کلویانی، محمد. ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. کرمانی، سعید. ۱۳۹۱. معنی شناسی عقل در قرآن کریم. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. گلپایگانی، علی ربانی. ۱۳۶۸. جبر و اختیار. قم: موسسه تحقیقاتی سید الشهداء.
۱۳. محمدی، روح اله. ۱۳۹۹. بازشناسی مفهوم «عقل معاش» و وجوه آن از منظر دانشمندان اسلامی.
۱۴. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷. مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر. همکاران. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. مهدی زاده، حسین. ۱۳۸۷. درآمدی بر معناشناسی عقل در تعبیر دینی. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۱۷. آقای نوروزلو، یعقوب. معصومه آقای نوروزلو ۱۳۹۳. «سبک زندگی اسلامی در افق تبیین شده مقام معظم رهبری». مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱: ۴۸-۲۷.
۱۸. مهدوی کنی، محمد سعید. ۱۳۸۶. «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران بهار ۱: ۲۳۰-۱۹۹.
۱۹. مطلبی فشارکی، محمد، محمد جواد توکلی. ۱۳۹۹. «الگوی تقدیر معیشت خانواده در اقتصاد اسلامی». معرفت ۵: ۱۰۳-۹۱.
۲۰. غضنفرنژاد، مرتضی. ۱۳۹۲. «مفهوم شناسی تقدیر معیشت از دیدگاه اسلام و دلالت های اثرگذار آن بر رفتارسازی انسان مسلمان». پایان نامه کارشناسی ارشد گرایش بخش عمومی، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. صفری، بهبود. ۱۳۹۶. «تقدیر المعیشه از منظر قرآن و احادیث». رساله علمی سطح ۳، حوزه علمیه استان قم.
۲۲. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳. بحارالانوار. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.